

میزگرد تخصصی مدیریت تعارضات آب با تاکید بر مسئله زاینده رود
(دومین کنگره علوم و مهندسی آب و فاضلاب ایران، آبان ۱۳۹۷)



اعضای میزگرد:

- مهندس شیشه فروش: (مدیرکل مدیریت بحران استانداری اصفهان)
- دکتر ضرغامی: (عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز)
- دکتر فاضلی: (عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و مشاور وزیر نیرو)
- دکتر فصیحی: (دفتر مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری و مدیر جلسه)
- مهندس قانع: (مشاور مدیرعامل شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور)
- دکتر میرمحمد صادقی: (مدیرعامل آب منطقه‌ای استان اصفهان)
- دکتر یوسفی: (عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی اصفهان)

خودش ندیده و دیگر این خشکی به سمتی رفته که ما واقعا به هیچ نحوی نمی‌توانیم به این رودخانه، رودخانه فصلی هم بگوییم. بیش بارگذاری حوضه، حداقل معادل نصف سد زاینده‌رود است. تقاضای آب اضافه داریم و مصرف یا به‌طور طبیعی این تقاضایی که طی سال‌های گذشته با فشار یا با طرح یا با پروژه‌های مختلف ایجاد شده، باعث می‌شود که این منبع مشترک به تعارض برسد. عرض



دکتر فصیحی: متأسفانه دو سال است که زاینده‌رود آبی به



مهندس شیشه فروش: دیروز ۲۱ آبان ماه سالگرد وقوع زلزله دلخراش کرمانشاه بود. مثل دیروزی این اتفاق در کشور به وقوع پیوست. جمعی از هموطنان کشته و خسارات زیادی را وارد کرد. زنگ هشدار است برای همه ما که یکبار دیگر توجه کنیم به این که ما چه نقش و چه سهم و جایگاهی داریم و هریک از ما چه اقداماتی می‌توانیم انجام دهیم، قبل از این که حادثه این‌چنینی به وقوع بپیوندد. اما حوادث دیگری هم وجود دارد که از منظر مدیریت بحران می‌توان به آن اشاره کرد. منشا بعضی از حوادث طبیعی است، پس لاجرم باید اتفاق بیفتد. برخی دیگر منشأ انسانی است، برخی از آن‌ها تدریجی است مثل خشک‌سالی و کم‌آبی، برخی پدیده‌ها نیز مثل زلزله. در مورد زلزله وقتی با بزرگای ۷/۳ ریشتر اتفاق افتاد، هرکس که مطلع شد به یک نحوی کمک کرد. مرحله اول امداد و نجات بود. بعد از آن اسکان موقت تا بازسازی و باز زنده‌سازی شرایط. دیروز که سالگرد این زلزله بود تعدادی از منازل مسکونی تحویل داده شد. اصفهان بیش از ۱۲ هزار واحد مسکونی را تحویل افراد داد؛ اما مسئله شما احیا است و این که در مورد ارزش‌گذاری زاینده‌رود صحبت کردید.

بحث فرونشست زمین که یکی از اثرات کم‌آبی در این حوضه است را به‌عنوان یک زلزله خاموش از آن یاد می‌کنند. تا ما ندانیم که زاینده‌رود چه هست، نمی‌توانیم برایش ارزش‌گذاری کنیم. باید ببینیم که چه جامعه‌ای از عدم احیای آن متضرر می‌شوند. باید بدانیم عدم احیای آن چه اثراتی را دربر خواهد داشت. ما تا ندانیم و این سوالات را پاسخ ندهیم نمی‌توانیم به ارزش واقعی زاینده‌رود پی ببریم. باید بدانیم بهره‌وری زاینده‌رود چیست؟ اصلاً زاینده‌رود در فلات مرکزی چه اهمیتی دارد؟ هم‌چنین باید بدانیم چه عواملی باعث به هم ریختگی نظم و پایداری این سیستم بود؟ و بعد بتوانیم ارزش‌گذاری برای آن بکنیم. در پدیده زلزله اشاره می‌کنیم که انرژی درونی زمین است و باید هم‌چنین اتفاقی بیفتد. ولی با خردورزی و انجام یک‌سری اقدامات می‌توانیم اثرات زلزله را کم کنیم. بعد از زلزله بم با ساخت و ساز مقاوم، اقدامات مهمی را در کشور شاهد بودیم. آیین نامه ۲۸۰۰ و مقاوم‌سازی ساختمان‌ها، تعداد کشته‌های این زلزله کرمانشاه خیلی تفاوت داشت با بم با تجاربی که کشور گرفت. در این زمینه هم باید بررسی کنیم. در مدیریت بحران داریم که باید هر پدیده‌ای که اتفاق می‌افتد را مستندسازی کنیم، عوامل به‌وجود آورنده آن را بررسی کنیم. در زاینده‌رود هم باید عوامل به‌وجود آورنده این

کردم با رودخانه‌ای مواجهیم که شاید تنها مورد در دنیا است که رودخانه خشک در اطرافش سبز است. این وضعیت بصری که در زاینده‌رود وجود دارد به‌طور مشخصی یک تعارض ذاتی را به‌وجود آورده است. کسانی که حق آب داشتند به‌طور طبیعی در پایین‌دست از حقابه محروم هستند. در غرب اصفهان همین شرایط است و باغات شهر و بالادست به مسائلی دچارند که این تعارضات را به‌حد هشدار امنیتی رسانده، که شورای عالی امنیت ملی الان این روند را از نزدیک رصد می‌کند. معاونان وزرا به‌طور مستقیم درگیر این مسئله هستند و این بخش جای خوشحالی دارد که دیگر این تعارض و تضاد قابل کتمان نیست. در صورتی که قبلاً کتمان می‌شد.

سوال اصلی که در این میزگرد به‌آن می‌پردازیم این است که ما چه کنیم که این مناقشات را مدیریت کنیم؟ آیا تاکید بر ایجاد منابع بیشتر بکنیم؟ یعنی با یک مسئله چندوجهی مواجهیم. آیا منابع بیشتر بیاوریم؟ آیا مسئله اجتماعی را با فشار امنیتی مدیریت کنیم؟ آیا مدیریت تقاضا بکنیم؟ به شهر اصفهان بپردازیم؟ به حقابه بپردازیم؟ واقعاً کدام بخش این مسئله چندوجهی درهم تنیده باید در اولویت سال ۱۳۹۷ و سال‌های بعد قرار بگیرد. الان مدیرعامل محترم آب و فاضلاب استان اصفهان فرمودند ما ۷-۸ سال است که در بحران مطلق آب برای شهر اصفهان قرار داریم. آیا ۴ میلیون جمعیت درنظر بگیریم برای مدیریت مناقشه؟ یا حقابه‌های صنعتی پایین‌دست را درنظر بگیریم؟ یا خط لوله یزد را مدیریت کنیم؟ این مسئله‌ای است که ما در مورد مدیریت مناقشات در مباحث بحرانی با آن مواجه هستیم. راه‌کاری که دنیا به آن رسیده بحث مذاکره است.

این مذاکره هم بحث‌اش در یک زیرمجموعه‌ای به‌نام ایجاد ارزش دسته‌بندی می‌شود. این ایجاد ارزش مثالش خیلی ساده است. البته این مثالی که می‌زنم به‌معنی تایید نیست. اگر خط لوله آب یزد دارد به مشکل برمی‌خورد، استانداری یزد هفته‌ای یک‌بار در تهران در ریاست جمهوری مستقر می‌شود تا این مسئله را مدیریت کند. یگان ویژه می‌گذاریم جواب نمی‌دهد، پایین‌دست را مواظبیم بالادست مشکل پیدا می‌کند. چه مکانیزمی باید ازنظر اجتماعی در این مسئله ایجاد شود که خودش مدیریت شود. این ایجاد ارزش یک مثال ساده‌اش این است (که این هم باز به نشانه تایید نیست): یک سهمی از این خط لوله به‌عنوان حقابه به حقابه‌داران اختصاص بدهید، یا اگر اصفهان حقابه‌ای داشته به‌عنوان شهر اصفهان شش سهم از ۳۳ را داشته، ما بیایم این را با یک مکانیزمی منظور بکنیم. منظور از ایجاد ارزش این است.

آقای مهندس شیشه‌فروش لطفاً بفرمایید چرا زاینده‌رود برای کشور یک ارزش است؟ یعنی من می‌خواهم ارزش ملی زاینده‌رود را به‌عنوان کسی که سال‌های سال است که در مسائل بحرانی استان درگیر بوده‌اید، واقعاً ما چقدر هزینه باید اختصاص بدهیم

مقداری به قهقرا برده است. در بحث آب هم مثال‌های زیادی می‌توانیم بزنیم.



دکتر میرمحمدصادقی: برای پاسخ به این سوال اگر یک نگاهی به تاریخچه حاکمیت آب در کشور داشته باشیم، می‌فهمیم که در کشور خودمان در دوره ساسانیان قدمت مدیریت آب روا داشتیم و آن‌جا یک دیوانی بوده به نام کست‌پزود یا کاست‌افزود؛ که اداره امور آب و توزیع آب را انجام می‌داد. بعد در دوره خلفا بحث‌های اوقاف و مدیریت اراضی در کشور ما شکل می‌گیرد. بعد در دوران حکومت‌های بعدی یعنی صفویه تا قاجار می‌رسیم به دفاتر جز جمع که هنوز هم در قانون توزیع عادلانه آب به آن اشاره می‌شود، که این‌ها حسابداری آب را انجام می‌دادند. منتها در یک مقطعی با دیدگاه‌های توسعه‌ای که در کشور اتفاق می‌افتد و جمعیت اضافه می‌شود. نهاد دولت به‌صورت جدی شکل می‌گیرد. به‌هر حال آن مدیریت محلی که در زاینده‌رود با همه این عواملی که من عرض کردم، حالا در دوره صفوی این بحث طومار شیخ‌بهای که در ایران یک مدل توزیع و مدیریت آب هست، کم‌کم کنار رفته و یک مدیریت متمرکز دولتی شکل می‌گیرد. تقریباً بعد از آن داستان فروپاشی نظام ارباب و رعیتی سال ۱۳۴۱، عملاً دیگر آن مشارکت‌ها و مدیریت‌های محلی قدرت کار خودشان را از دست می‌دهند و دیگر نمی‌توانند جان‌نشین بشوند در آن قدرتی که داشتند و در مدیریتی که در حوضه آب داشتند. لذا ما از یک مدیریت محلی آمدم به یک مدیریت متمرکز دولتی و قطعاً همین معضلاتی که در قالب سوالی که آقای دکتر فصیحی فرمودند در کنارش پیش می‌آید؛ یعنی این‌که ما کم‌کم مشارکت‌ها را در دوران‌هایی به‌کنار بردیم، تصمیم‌گیری‌هایمان بعضاً خیلی فلبده‌ها و بدون حضور ذینفعان واقعی که شاید در طول تاریخ ذی‌نفع مسئله بودند، این‌ها کم‌کم از بین می‌رود و حتی تصمیم‌های فلبده‌ها در دورانی، مثلاً در یک دورانی رئیس حکومت می‌آید یک چیزی اعلام می‌کند و یک شیوه‌های دیگری را از مدیریت پیوسته هم کم‌کم از بین می‌رود و مدیریت‌های خرد در زیر لوای دولت شکل می‌گیرد. این، کار را بسیار سخت کرده است. واقعیت این است که نهاد دولت اگر من به‌صورت خاص بخواهم پاسخ بدهم این هست که به‌تنهایی قادر به حل مشکلات نخواهد بود. آقای دکتر فاضلی هم در صحبت‌هایشان در مقدمه یا در آن سخنرانی کلیدی این را به‌نوعی مطرح کردند و این واقعیت هست. اما ما باید برویم به دنبال مشارکت. اما چه باید بکنیم؟ ببینید ما الان تصمیم‌هایی می‌گیریم در حوضه زاینده‌رود که حالا بحث دوستانم هست. می‌نشینیم در یک شورای RBO.

بی‌نظمی و بیماری و این‌که الان ما مواجه با ناپایداری در این حوضه هستیم را بدانیم. تا ندانیم علت به‌وقوع پیوستن این شرایط چیست نمی‌توانیم برایش ارزش‌گذاری کنیم. حتماً ما باید بدانیم که ارزش آن بدون دخالت مالکان و حقابه‌داران مشخص نمی‌شود. ارزش آن وقتی است که توجه به حقابه‌دارانی که این به‌هرجهت می‌دانند که حقابه مربوط به آن‌ها است داشته باشیم.

ما باید بدانیم تاریخچه زاینده‌رود چیست و چه قدمتی دارد، نقش آن در گذشته چه بوده تا بتوانیم ارزش آن را بفهمیم. باید ببینیم از نظر حقوقی چه قوانینی بر حوضه حاکم است. قوانین حاکم بر این حوضه را اگر بدانیم می‌توانیم بگوییم ارزش واقعی زاینده‌رود چیست و چه بهره‌ای برای کشور دارد. ما باید بدانیم از نظر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مزیت‌های زاینده‌رود چیست و عدم احیای آن چه تأثیری داشته. شما اشاره می‌کنید به احیای زاینده‌رود، باید ببینیم که احیا یعنی باز زنده‌سازی. در زلزله ما بازسازی می‌کنیم، بازتوانی می‌کنیم، شرایط را به‌حالت اول برمی‌گردانیم، کمک می‌کنیم به خسارت‌دیدگان. در این‌جا هم ما باید بدانیم که اثرات مخرب عدم احیای زاینده‌رود و ناپایداری آن در حوزه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، گردشگری و میراث فرهنگی برای ما پیدا است و دوستان به‌خوبی اطلاع دارند. باید این را بدانیم که بیماری این حوضه باعث مشکلات و تنگناهای اقتصادی، اجتماعی و معیشتی برای کشاورزان و حقابه‌داران شده است. سلامت جسمی و روحی را برای افراد تحت‌تأثیر قرار داده است. حیات انسان‌ها و تامین آب شرب اهمیت ویژه این حوضه را می‌رساند که ۵ میلیون نفر باید از آب این‌جا استفاده بکنند. حیات انسان‌ها وابسته به این حوضه است. حیات صنعت، حفظ فضای سبز و همچنین بهره‌برداری در بخش کشاورزی و اقتصاد در این حوضه است. نکته بعد توجه به این مسئله است که گرد و غبار و آلودگی هوا، بخشی هم برمی‌گردد به این‌که پایداری این حوضه از بین رفته و ما تأثیرات مستقیم این عوامل طبیعی را ناشی از عدم احیای زاینده‌رود می‌بینیم. پس ارزش‌گذاری این حوضه به واسطه این مسائلی هست که ذکر شد.

دکتر فصیحی: به‌طور طبیعی دولت متولی این کار است. اما سوال اصلی ما این است که دولت چه‌قدر توانمند است در ایفای این نقش؟ یعنی فرض بر این است که زاینده‌رود نقش ملی و نقش محوری‌اش را توانستیم تبیین بکنیم، که این کار تا حدی اتفاق افتاده است. ولی بحث سر این است که ما به کارآمدی دولت توجه ویژه داشته باشیم. به ظرفیتی که یک نهاد به‌عنوان نهاد اجرایی، نهاد قانون‌گذاری در این مسائل دارد توجه کنیم. حالا سوالم از آقای دکتر میرمحمدصادقی این است که توانمندی دولت را به نقد بکشیم که واقعاً چه نقشی را دولت در این تعارضات دارد؟ آیا خودش بخشی از مشکل است و یا حلال مشکل؟ چون اگر خیلی بخواهیم شفاف حرف بزنیم می‌بینیم که ورود دولت کارها را یک

شورای هماهنگی حوضه زاینده رود که این‌ها نشانه حرکت رو به جلوی دولت است برای رسیدن به آن مشارکت‌ها و آن مدیریت‌های بهتر. در این قضیه ما می‌بینیم که دولت تصمیم می‌گیرد که با همان RBO نیم‌بندی هم که درست شده، اما اجرا نمی‌شود کرد. بعضی جاها در اجرا ما به شدت با مشکل مواجه هستیم. به نظر من این برمی‌گردد به این‌که ما باید یک بازنگری در مبانی حکمرانی آberman داشته باشیم. اگر دولت یا حکومت ما می‌خواهد تصمیمی را که برآیند یک عده هست، که نمایندگان ذی‌نفعان دولت و همه هستند (صنعت، کشاورزی، محیط‌زیست) اجرا کند باید آن اقتدار لازم را در کارش داشته باشد. اما این اقتدار چطور به دست می‌آید؟ قطعاً پایه‌های آن در مشارکت است. یعنی ما همه ذی‌نفعانمان را در تصمیم‌هایمان مشارکت دهیم که کار بسیار سختی هم هست. من در آب منطقه‌ای با دوستانم تلاش کردیم که این کار را انجام دهیم که خیلی هم کار سختی است چون تمرین کم داریم. قانون‌مداری و حتی بازنگری در بعضی از مسائل قانونی و مشروعیت باید داشته باشیم. مشروعیت و مشارکت با هم لینک هستند. ما باید با هم این دو تا را کار بکنیم. برای این باید تمرین بیشتر بکنیم و در مدیریت حوضه آبریز با تقویت آن بتوانیم این مشارکت را بیش از پیش گسترش بدهیم.

دکتر فصیحی: شما قطعاً بحث حکمرانی را اینجا پررنگ کردید. این که همه ما سال‌های سال است به مشارکت ذی‌نفعان توجه داریم. یعنی من تا یاد دارم این قضیه در وزارت نیرو بحث بوده و هر آب منطقه‌ای برای بحث مشارکت ذی‌نفعان متولی مستقیم دارد. ولی این قضیه باز آن رنگی را که باید به خودش بگیرد نمی‌گیرد. یعنی ما می‌بینیم مثلاً در زاینده رود (البته این برداشت من است بعد می‌خواهم آقای دکتر یوسفی مباحث حکمرانی را لطف کنند مطرح بفرمایند) با مشارکت ما در زاینده رود، ذی‌نفعان بعضی وقت‌ها منجر می‌شود که ذی‌نفع تبدیل می‌شود به پیمانکار بهره‌بردار رودخانه یا ساماندهی رودخانه. یعنی بحث ما در مشارکت در مناصب حکمرانی دخالت نمی‌کنیم در پایین رده‌اش می‌آید و وارد می‌شود. البته من می‌دانم در شورای مثلاً هماهنگی حضور دارند در شورای بحران هستند. حالا آقای دکتر یوسفی شما این‌ها را از مباحث تخصصی حکمرانی صحبت بفرمایید و واقعاً این مشارکت در کدام بخش وارد می‌شود.



دکتر یوسفی: در تکمیل صحبت‌های عزیزان یکی دیگر از آن ابر

چالش‌هایی که در این کشور ما با آن مواجه هستیم که دارد مناقشات اجتماعی را تشدید می‌کند بحث هماهنگی هست. در حقیقت با کمیابی آب مواجه هستیم و این کمیابی آب یک منبع کمی هست که قدرت و ثروت به آن وابسته است و چون تعداد زیادی بهره‌بردار داریم مطمئناً این باعث مناقشه می‌شود. بحث این‌که چرا هماهنگی و عدم هماهنگی ایجاد می‌شود این است که آب کم است، آب به قدرت و ثروت ارتباط پیدا می‌کند و یک بخش دیگرش هم برمی‌گردد به این‌که ما با یک پدیده‌ای مواجه هستیم به عنوان برهم‌کنش و ارتباط مقیاس‌ها. بحث این است که ما مقیاس‌های مختلفی داریم. یک مقیاس سیاسی داریم، یک مقیاس حوضه آبریز داریم. که این خودش همیشه یک چالش است که ما باید مدیریت حوضه‌ای در آن داشته باشیم یا مدیریت استانی داشته باشیم. به این موضوع در اهداف توسعه پایدار هم اشاره شده که در حوضه آبریز مشترک، ابر چالش ما همان هماهنگی است. یعنی شما نگاه کنید کل دنیا تا ۲۰۳۰ دارند روی این موضوع کار می‌کنند و تنها مشکل ما در ایران نیست. این‌که ما پیچیدگی سیستم اجتماعی بوم‌شناخت را داریم.

من می‌خواهم سه تا از مصادیق عدم هماهنگی را برای شما بگویم: یکی بحث انسجام در سیاست‌گذاری است، یکی بحث هماهنگی‌های عمودی و افقی است و یکی دیگر هم بحث برهم‌کنش نهادهای سیاسی است (نهادهای رسمی و غیر رسمی). در مورد بحث عدم انسجام در سیاست‌گذاری، مرکز پژوهش‌ها گزارش داده که در این مملکت یکی از ابر چالش‌ها در این کشور این است که ما بارندگی‌هایمان در کل کشور ۱۱ درصد کم شده، رواناب‌های سطحی ۴۴ درصد کم شده، در حوضه کارون ۱۸ درصد بارندگی کم شده و حدود ۵۰٪ رواناب‌ها کم شده؛ یکی از دلایل هم گفته برداشت‌های بالادست (یعنی در پایین دست آب نیست و کشاورزها را داریم می‌فرستیم به بالادست).

من امروز بحثم اصلاً این نیست که بگویم کشاورز مقصر است. من مصداقش را می‌خواهم در زاینده رود به شما نشان دهم. این شاخه پلاسجان در استان اصفهان در سال ۱۳۶۱ هست. من می‌خواهم نشان بدهم که چه قدر اراضی فقط در شاخه پلاسجان افزایش داشته است. در شاخه بن و سامان در سال ۱۳۶۱ چهارهزار هکتار، در سال ۱۳۶۴، ۴۴۰۰ هکتار، سال ۱۳۶۹، چهارهزار و هشتصد هکتار، سال ۱۳۷۳، پنج هزار هکتار، سال ۱۳۷۹، شش هزار هکتار، سال ۱۳۸۲، شش هزار و ۴۰۰ هکتار، سال ۱۳۸۷، دوازده هزار هکتار و سال ۱۳۹۴ شده ۲۱ هزار هکتار. پس برای ما یک سوال ایجاد می‌شود. در حوزه‌های بالادست دارد توسعه اراضی اتفاق می‌افتد. برنامه ششم توسعه ماده ۳۱: برای رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی و خودکفایی و امنیت غذایی باید ۹۵ درصد از محصولات استراتژیک را خودمان تولید کنیم. ماده ۳۵: رهاسازی حقابه‌های زیست‌محیطی یازده میلیارد

مکعب از ۱۰۴ میلیارد مکعب کل آب‌های کشور برای این که ما مشکل آبخوان‌هایمان را حل کنیم. بند پ ماده ۳۱، یعنی همین الان دوتا تناقض! ما می‌خواهیم در مواد غذایی کشور خودمان را خودکفا کنیم، ۱۱ میلیارد مترمکعب هم می‌خواهیم آزادسازی حقایق محیط‌زیستی داشته باشیم. می‌بینید که در برش استانی در بند پ ماده ۳۱ تبدیل اراضی شیب‌دار به باغات پانصد هزار هکتار، استان اصفهان تقریباً ۴۰۰ تا ۴۰۰۰ هکتار، بخشی از آن در سمیرم هست حوضه کارون، بخشی هم درحوضه زاینده‌رود؛ استان چهارمحال بختیاری ۲۹ هزار هکتار دارد، بخشی در سمیرم، بخشی در زاینده‌رود، بخشی در کارون.

در این شیوه‌نامه کاملاً تصریح می‌کند شما می‌توانید آب مازاد را کاملاً بردارید، یعنی بارگذاری جدید. در این شیوه‌نامه می‌گوید که عرصه‌ها با هر پوشش گیاهی می‌تواند به باغ تبدیل شود. تاکید می‌کند که هر کسی که تصرف غیرمجاز داشته، اشکال ندارد و بلامانع است؛ می‌شود با او قرارداد ببندید. یعنی با یک موضوع که داریم می‌بینیم تا سال ۱۳۹۲ چه اتفاقی سر حوضه‌هایمان آمده و همین الان دارد اجرا می‌شود. این بحث عدم هماهنگی است. در حقیقت عدم انسجام در سیاست‌گذاری است که برمی‌گردد به بحث امنیت غذایی که ما هنوز تکلیف امنیت غذایی و خودکفایی را در کشور مشخص نکرده‌ایم. ارتباط امنیت غذایی، امنیت آبی و امنیت انرژی را باید معلوم کنند.

در بحث عدم هماهنگی عمودی و افقی من فقط مکانیزم‌های هماهنگی در کشور را آوردم. مکانیزم افقی یعنی بین بخشی، بین منطقه‌ای؛ مکانیزم عمودی هم یعنی در ساختار قدرت. من فقط اسم مکانیزم‌های هماهنگی را می‌خوانم. شورای عالی آب سه جلسه درباره زاینده‌رود داشته است. شورای عالی امنیت ملی دوبار درباره آب فکر می‌کنم امسال جلسه داشته است. کمیسیون امنیت مجلس پارسال. کارگروه ملی سازگاری با کم آبی را آقای دکتر اردکانیان از اسفند پارسال کلید زدند. کارگروه ستادی آب کشاورزی ماده ۱۱، شورای هماهنگی حوضه آبریز ۱۷ جلسه داشتند. کارگروه استانی سازگاری با کم آبی، شورای برنامه‌ریزی استان، کارگروه استانی آب کشاورزی ماده ۱۱، کمیسیون رسیدگی به آب‌های زیرزمینی، شورای گفتگو با اتاق‌های بازرگانی. ما این همه مکانیزم هماهنگی داریم، اما مشکل عدم هماهنگی ما وحشتناک است. ما بین نهادهای رسمی و غیررسمی مان رقابت وجود دارد، تعارض وجود دارد. نهادهای غیررسمی به بحث فساد، به بحث فرهنگ برمی‌گردد. ما در حقیقت نهادهای رسمی مان غیرکارآمد هستند و اهداف نهادهای غیررسمی مان هم تقابل دارند با نهادهای رسمی.

اما پیشنهادها: ۱. من از آقای دکتر فاضلی می‌خواهم در برنامه هفتم توسعه از همین الان به فکر باشید، ما در ساختار قبلی وزارتخانه‌ها مسئول این می‌شدند که بیايند برنامه تبیین کنند و

یک‌سری شورای برنامه‌ریزی داشتیم، بعد می‌رفت در ستاد تدوین و تلفیق می‌شد. من فکر می‌کنم که این برنامه را چه امسال بنویسیم، چه سال بعد بنویسیم هیچ فرقی نمی‌کند. از همین الان بشینیم برنامه هفتم توسعه را بنویسیم. در این مکانیزم هماهنگی بیشتر فکر کنیم و انتشار عمومی بدهیم برنامه را قبل از این که به مجلس برود و چکش کاری شود. ۲. یک فکری برای این حلقه بکنیم: افزایش فضای امنیتی، عدم شفافیت، عدم مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، عدم حاکمیت قانون، تشدید مناقشه. ۳. برای اولین بار در کشور کنار یکی از پل‌های تاریخی اصفهان یک تابلو را اختصاص دهیم به بخش آب، به صورت برخط ورودی سد، خروجی سد و حجم مخزن را در آن نشان دهیم.

دکتر فصیحی: من دو تا نکته کلیدی از حرف‌های آقای دکتر یوسفی گرفتم. یکی بحث عدم شفافیت هست که منجر به تضادهای بین بخشی، حتی داخل خود سیستم سیاست‌گذار می‌شود و نکته بعد هم عدم توجه به بحث نهادهای سیاسی و اجتماعی که علی‌رغم این که به آن زیاد اذعان می‌کنیم ولی توجه رسمی نداریم. یکی از بحث‌هایی که خیلی از آن غفلت شده در قضیه حکمرانی آب، همین تمرین کردن است. به قول دکتر میرمحمدصادقی، این تمرین خیلی مهم است، چون یک مهارت است، مهارت ایجاد ارزش. به عنوان مثال برای خرید اراضی سازمان آب منطقه‌ای، فردی که متبحر است مهارتش را حسب تمرین مکرر در کنار علمی که داشته به دست آورده است. ولی متأسفانه حلقه گم‌شده در زمینه حکمرانی و مدیریت تعارضات، بحث وجود تشکلات مردمی است. این که ما واقعاً چه چیزی را پیاده‌سازی کردیم که این را نشان بدهیم. این پیاده‌سازی شده و ما به این نتایج رسیدیم. ما یک نمونه را در ایران پیدا کردیم که آقای دکتر ضرغامی این ابتکار را به خرج دادند و بحث اتاق دیپلماسی با آذربایجان را بیش از یک سال است که به طور عملی دارند این تمرین را که دکتر میرمحمدصادقی فرمودند انجام می‌دهند و پیاده‌سازی می‌کنند. در کنار آن ما به علمش هم نیاز داریم که این سوال بعدی ما هست که جناب مهندس قانع راجع به آن صحبت می‌کنند و کمک می‌کنند تا ما این مباحث را به یکدیگر متصل کنیم.



دکتر ضرغامی: استانداری در سطح شهر اصفهان بنرهای ۷ پروژه را گذاشته است. اولاً از این تلاش و اقدامی که شده تا این

طرح‌ها را در معرض دید عموم قرار دهند تشکر می‌کنم. این یک گام موفق است. در عین حال اگر دقت بفرمایید این یک نمودی هست از وضعیت حکمرانی آب کشور. سخنرانان قبلی به خوبی به آن اشاره کردند. در سمت راست این بنرها چهار لوگو است، استانداری، آب منطقه‌ای، جهاد کشاورزی و شرکت آب و فاضلاب. این‌ها از لحاظ حکمرانی یک نفر هستند، یعنی قوه مجریه هستند. دو تا سوال اساسی اینجا مطرح است: یکی این که قوه قضاییه و قوه مقننه کجا هستند؟ سوال دوم این است که مسئله زاینده‌رود مسئله فقط شهر اصفهان نیست. آیا این بئر در ورزنه هم نصب شده یا نه؟ آیا در چهارمحال، کاشان و یزد همین بئر نصب شده؟ شاید بگویید یزد و کاشان پایین دست هستند. ولی از بعد مسئله آب، دیگر مسئله آب را به صورت حوضه آبریز بررسی نمی‌کنند، بلکه فراتر از این شده، خوزستان هم درگیر است، کاشان هم درگیر است، یزد هم درگیر است. این‌ها همه باید دیده شود. لذا دو تا سوال اساسی این جا پیش می‌آید. آن هم این است که ما چه طور می‌توانیم عدالت در اطلاع رسانی و مشارکت ایجاد کنیم؟ وضعیت فعلی که این نمودی از آن هست که اسمش را می‌گذاریم حکمرانی آمرانه آب (یعنی امر از بالا به پایین). ولی واقعیت این است که همان طور که دکتر محمد میرصادقی فرمودند، قبلاً در اینجا مشارکت بوده و ما آن را از دست دادیم. حالا چه طور می‌توانیم مشارکت را احیا کنیم؟

یکی از این تلاش‌ها برای احیا، سازمان مردم‌نهاد اتاق گفت‌وگو آب آذربایجان است. این اتاق با این فکر ایجاد شده که فرض کنید زلزله شده، رویکرد فعلی این است که همه به گردن هم دیگر می‌اندازند. می‌گویند شما مسئول بودی ساختمان‌ها را ضعیف ساختی، شما مسئول بودی آب نرساندی، یک نفر لازم است که بگوید آقا زلزله شده الان یک سال هم گذشته، یک عده‌ای در کانکس زندگی می‌کنند، الان باید چه کار کنیم؟ در مورد آب هم چنین وضعیتی داریم که از فراقکنی ادارات به هم دیگر، ما باید بیایم دور میز بنشینیم و با هم صحبت کنیم. من از دکتر فصیحی هم درخواست کردم که اگر بشود سالن به شکل میزگرد باشد. در هر صورت این اتاق حرفش هم‌اندیشی مشارکتی است. تم کارش به این صورت که اولاً باید بعد از وقت اداری باشد. افراد متخصص و دلسوز در آن شهر و در آن منطقه را دعوت می‌کنیم و می‌آیند. خیلی افراد هستند که تا ساعت ۶ و ۷ می‌مانند که بدون هیچ برگ ماموریتی، بدون هیچ دعوت‌نامه، فقط با ایمیل یا تلفن می‌آیند. چون این اتاق هیچ گونه درآمدی ندارد. یعنی مشابه این جلسه جاهای دیگر برگزار شده، در هر جلسه سی میلیون تومان از یک نهاد دولتی در ریاست جمهوری گرفتند، اما این جا هیچ گونه هزینه‌ای نمی‌گیرند. در واقع کاتالوگش هم با هزینه‌هایی که یک کسی تقبل کرده چاپ شده است. این کاری که انجام می‌دهیم این است که افراد از نهادهای مختلف می‌نشینند و به بسته‌های

سیاستی می‌رسند که ما باید چه کار کنیم؟ ۲۹ جلسه برگزار شده، ۲۵۰ نفر شرکت کردند و خلاصه سنتز جلسات در وبسایت هست. من عرض را جمع‌بندی کنم. یکی از یافته‌های این جلسات بعد از چکش کاری مختلف این است که راه حل نجات آب ایران از بعد حکمرانی تشکیل مجلس‌های محلی آب است، که در آن جا نهادهای دولتی فقط به عنوان یک شرکت‌کننده و تسهیل‌گر می‌آیند. از خبرنگاران، کارشناسان قوه قضاییه، قوه مقننه در آن مجلس می‌نشینند و تصمیم گرفته می‌شود که آیا ما آب را به کشاورزی بدهیم یا به محیط زیست؟ و چقدر بدهیم؟ آن جا تصمیم گرفته می‌شود. این باعث می‌شود که تصمیم‌ها چون توسط خود افراد هست ضمانت اجرایی پیدا کنند و جزییات ریز این کار هم درآمده است.

دوتا اتفاق بسیار مهمی که می‌افتد شبکه‌سازی است؛ مثلاً شما فیسبوک را نگاه کنید ۴۰۰ میلیارد دلار قیمت این کمپانی هست. ولی آیا این قیمت ساختمانی است که در سانفرانسیسکو هست؟ نه! بلکه به خاطر شبکه‌ای که ایجاد کردند است. ما گاهی اتفاق می‌افتد در دانشگاه تبریز کسانی داریم که در دانشکده‌های مختلف از کار همدیگر بی‌خبرند. این شبکه‌سازی قدرتمند می‌کند. مطلب دوم که اتفاق می‌افتد تعامل ارزش‌ها است. ارزش‌ها این جا شامل همه چیز هست و آن این است که اگر ما به یزد آب می‌دهیم چه چیزی در مقابلش از یزد بگیریم که به کشاورزان اصفهانی بدهیم؟ اگر آب چهارمحال را می‌آوریم اصفهان، چه چیزی دارد مثل تخصص پزشکی و یا تخصص‌های دیگر که بتواند به آن‌ها بدهد و آن‌ها را راضی کند. این‌ها باید تبادل شود. تبادل آن چیزی است که می‌تواند در این اتاق و مجلس می‌تواند اتفاق بیفتد. من امیدوارم به آینده و امیدوارم با تلاش شما و انجمن‌های موفق مثل انجمن آب و فاضلاب به این سمت برویم و موفق خواهیم شد.

دکتر فصیحی: بله این بحث ایجاد ارزش که چه چیزی بدهیم و چه چیزی به دست بیاوریم، همه چیز برای ما نیست. در مذاکره یک جمله‌ای هست که می‌گوید که داستان برد-برد گذشته و شما باید به اصطلاح good for you great for me می‌گویند یک چیز خوب برای طرف مقابل و آن چه که بسیار عالی است برای من. ما این را باید در بحث ایجاد ارزش مدنظر قرار بدهیم و مباحث خیلی مفصل هست. آقای مهندس قانع در حقیقت یک اتصالی هستند بین صنعت و دانشگاه و مباحث پژوهشی، من همین طوری که عرض کردم ما روی این کار و این بحث حل تعارضات که مشارکت در آن واقعاً نقش اصلی دارد، نیاز به علم داریم. این که ما سیلابس دانشگاهی‌مان هنوز این مباحث در آن حداقل اگر خیلی خوش‌بین باشیم حتی در مباحث مرتبط هم ضعیف هست و ما هم چنان بر طبل مهندسی صرف می‌کوبیم برای حل مسائل

آبی. این نکته‌ای است که باید مورد توجه قرار بگیرد. صنعت چه نیازی دارد و دانشگاه چه کمکی می‌تواند بکند. آقای مهندس قانع شروع بفرمایند که ما واقعا چه کنیم در دانشگاه که این قضیه کمک بکند به صنعت.



مهندس قانع: همه بحث‌ها سر این است که ما می‌خواهیم گفت‌وگو بکنیم بر سر آب و شاید همه این منازعاتی هم که ایجاد می‌شود چگونگی گفت‌وگو بر سر آب است، که به‌نظر من سه تا عنصر دخیل است در این موضوع. یکی این که این با اعتقاد و باورها ارتباط دارد، این کار یک کار اصولی و علمی است که روابط انسانی را در نظر می‌گیرد و در نهایت تجاربی است که به‌صورت کاربردی می‌شود از آن استفاده کرد. همه اذعان دارند که تا الان تمرکزمان روی مسائل فنی و اقتصادی بوده و در حوزه اجرا و توسعه و امروز همه ما تاکید می‌کنیم که بحث‌های علوم اجتماعی و مسائل سیاسی و محیط‌زیستی به‌شدت درهم تنیده شده و پیچیدگی‌های خاص خودش را هم بروز داده است. جامعه‌ای هم که بخواهد توسعه پایدار داشته باشد الزاما باید یک نگاه همه جانبه داشته باشد و همه موضوعات را لحاظ کند. پس اجتناب‌ناپذیر است که حتما این مباحث براساس یک جامعه دانایی‌محور و فراگیر حاکم بشود. این دانایی‌محور قطعا نقش و توسعه‌ای است که می‌توانند دانشگاه‌ها در این حوزه داشته باشند. یعنی محور اصلی موضوعات دانایی و جامعه دانایی‌محور، قطعا با پرورش نیروهایی هست که دانشگاه‌ها دارند و تا الان شاید موضوعاتی که در حوضه آب بوده عمدتا بحث‌ها، بحث‌های تخصصی بوده که مسائل فنی را سعی کرده به دانش آموختگان خودشان داشته باشند. ولی امروز به‌دلیل سایر بخش‌ها و عناصری که دخیل هست در حوضه آب و پیچیدگی زیادی هم دارد بحث‌های میان رشته‌ای را ایجاد کرده و حتما دانشگاه‌های ما باید به این موضوع بپردازند. این یکی از بحث‌های اصلی هست که به‌نظر من مولفه مهم توسعه، خود دانشگاه‌ها هستند به‌عنوان کسانی که می‌توانند دانایی‌محوری را در جامعه برای توسعه ایجاد بکنند.

نکته‌ای که به‌نظر من در مورد الگوی سه‌جانبه تعامل دانشگاه و صنعت و دولت به‌نوعی مطرح هست و از گذشته هم مدل‌های مختلفی برای طرح موضوع شده بوده؛ امروز شاید این مدل‌ها مرز مشخصی برای طرح در حوزه دانشگاه، صنعت و دولت واقعا تعریف نشود، مخصوصا در حوزه دانشگاه و صنعت. یعنی ما امروز دیگر نباید خودمان را محدود کنیم که این حوزه دانشگاه است، باید در

این محدوده فقط کار داشته باشیم و نگاه به مسائل عملگرا باشد و صنعت هم باشد. خوشبختانه بعضی از دانشگاه‌ها مثل صنعتی اصفهان خیلی پیشرو بوده در این حوزه و خیلی وقت‌ها این مرزها هیچ‌گونه پوششی نداشته و جدا نبوده از هم و خیلی کارهای خوبی را در حوزه ایجاد فنون جدید در گسترش خدمات علمی و فناوری که ما در حوضه آب مخصوصا با این پیچیدگی‌های جدید داریم، حتما نقش دانشگاه بسیار مهم است. من فکر می‌کنم با تشکیل چنین جلساتی با انجمن علمی، محوریت این کار را به‌عهده گرفته و امروز دارد یک گفتمان جدیدی شکل می‌گیرد و این‌ها موضوعاتی هست که اگر استمرار پیدا بکند و واقعا ملاحظات خاص خودش را هم بتوانیم داشته باشیم، می‌تواند توسعه پیدا کند. خوشبختانه حوزه دانشگاه یکی از مقولاتی که شاید حرف‌ها و خیلی از موضوعات را بی‌رودربایستی می‌تواند بزند و خیلی برش بیشتری دارد به‌نظر من نقش بسیار مهمی در توسعه و مسیر مناسب حرکت طرح‌ها و پروژه‌ها و دولت‌ها می‌تواند نقش ایفا کند.

دکتر فصیحی: در حقیقت این مرز مشخص را من می‌خواستم یک نکته‌ای درباره‌اش عرض کنم. این که واقعا پژوهشگران دانشگاه ما از پشت کامپیوترها بلند شوند، اشاره به خود من هم هست، و برویم در صنعت و سوال‌های واقعی را بپرسیم. واقعا ما نیاز داریم نخبگان را به‌طور مشخص متمرکز کنیم بر مسائل آب و محیط زیستمان. بیشترین نرخ بیکاری در کشور روی متخصصان محیط‌زیست و کشاورزی هست. شما توجه بفرمایید چند نفر از رتبه‌های زیر ۱۰۰ کنکور ما حاضرند بروند رشته مهندسی کشاورزی، محیط‌زیست بخوانند. بحران آب و محیط‌زیست کشاورزی ما رسیده به آن ۱۵ درصدی که واقعا نیاز است یک نوآوری‌هایی در آن بشود که نخبگان ما، نخبه متناسب است با نانو تکنولوژی ولی هیچ‌وقت نمی‌شنویم که قضیه به آن سمت رفته باشد. این‌ها مباحثی است که هرکدام یک پل جداگانه‌ای می‌طلبد. مثلا بحث سیلابس دانشگاهی چه باشد. حالا اگر فرصتی بشود رویش بحث کنیم. خب همه چیز با اجتماع است. یعنی مشارکت را بدون حضور اجتماع و این نقش واقعی نمی‌توانیم درک کنیم. این که عکس‌العمل این اجتماع به این فعل و انفعالات اجرایی ما چیست، یک مقدار زیادی از آن را در این ده سال اخیر به عینه لمس کردیم که چه‌قدر اجتماع ما دیر عکس‌العمل نشان می‌دهد. اما این عکس‌العملش بسیار کوبنده است. حالا آقای دکتر فاضلی مهندسی هستند که رفتند و practice اجتماعی را انجام دادند و هر دو زاویه را می‌توانند ببینند. من خواهش می‌کنم اگر صلاح می‌دانند روی مصداق صحبت کنند. مثلا فرض بفرمایید مباحث اجتماعی و فرهنگی انتقال آب به‌عنوان یک practice مهندسی خیلی پررنگ چیست؟ و خیلی کلی‌تر این مباحث را بفرمایند که بخش اصلی حکمرانی اجتماعی است.



دکتر فاضلی: وقتی که به مناقشه پرداخته می‌شود، مناقشه آبی، حالا چه در زاینده‌رود باشد چه بر سر انتقال آب از دریای خزر یا عمان به هر جایی در کشور باشد؛ ما به یک چارچوب نظری احتیاج داریم که مسئله را بفهمد. من عمیقاً احساس می‌کنم آن چارچوب نظری که فهم مسئله مناقشه آبی باشد مفقود است. من سعی می‌کنم در این مدت کوتاه این را بگویم و اگر خواستید وارد مصداق‌ها می‌شوم. مرحله اول هر مناقشه‌ای را حل کردن و به آن پرداختن، آقای دکتر گفتند مذاکره است. یعنی مناقشات با دو سه حالت بیشتر رفع نمی‌شود. یا طرفین باهم مذاکره می‌کنند و به توافق می‌رسند. یا آن قدر با هم می‌جنگند که یک نفر غلبه می‌کند. یا یک نیروی سومی مداخله می‌کند و می‌زند توی سر دوتاشون. یعنی این سه حالت، عمده حالت‌ها را تشکیل می‌دهد. در عرصه بین‌المللی هم نگاه کنید وقتی در کشورها مناقشه داخلی می‌شود یا طرفین باهم مذاکره می‌کنند یا یک نیرویی بر نیروی دیگر غلبه می‌کند یا سازمان ملل یا یک جمع بین‌المللی مداخله می‌کنند و بینشان آشتی برقرار می‌کنند، بهترین حالت همان حالت اول است. یعنی این که طرفین باهم مذاکره کنند و مناقشات را رفع کنند. وقتی می‌خواهیم مذاکره کنیم اول باید تحلیل مناقشه کنیم. من این‌ها را می‌گویم و شما این چارچوب را خودتان تطبیق بدهید روی داستان زاینده‌رود.

وقتی می‌خواهید تحلیل مناقشه کنید باید بدانید جنس مناقشه‌ها چیست. من یک دسته‌بندی می‌دهم از مناقشاتی که در حوزه آب رخ می‌دهند. علل مناقشه در حوزه آب شامل این‌ها است: ۱. کمبود عرضه؛ ۲. آلودگی آب؛ ۳. منابع به‌شکل فصلی یا به‌شکل غیرمنتظره تغییر می‌کنند؛ ۴. یک کسی تقاضای بیشتر از حد دارد. مناقشه ممکن است بر سر چارچوب نهادی رخ دهد. یعنی ما مصرف داریم و تقاضا داریم ولی هیچ چارچوبی نداریم که در آن به توافق برسیم. البته آقای دکتر یوسفی نشان دادند ما over frame work شدیم. یعنی ۲۰-۳۰ تا چارچوب داریم، از شورای عالی آب تا پایین که این‌ها چارچوب‌های متعددی هستند، ولی همه‌شان ناکارآمدی دارند. یا حکمرانی‌مان نامتناسب است و تمرکزگرا. مثلاً شورای حوزه آبریزهای ما را اگر نگاه کنید این‌ها نماینده ذی‌نفعان و کاربران اصلی یا یک رای دارد یا بدون رای شرکت می‌کند و عمده آدم‌ها دولتی‌ها هستند که در این شورا شرکت می‌کنند. تعرفه‌های نامناسب: یکی از چیزهایی که مناقشه ایجاد می‌کند تعرفه‌های اقتصادی نامناسب است. مناقشه بر سر فقدان منابع مالی یعنی مناقشه کمبود منابع مالی است. مناقشه در برنامه مدیریت حوزه: هر حوزه یک جدول منابع-مصارف

دارد. این جدول منابع-مصارف بر سر تنظیمش مناقشه درمی‌گیرد و چرا مناقشه در می‌گیرد؟ چون ابزارهای اندازه‌گیری و نظام اندازه‌گیری مغشوش است، یا بر سر نظام اندازه‌گیری اجماعی وجود ندارد. مشارکت ناکافی آبریان: آبریان مشارکت داده نمی‌شوند. وقتی می‌گویید water users یعنی کاربرهای اصلی چه کسانی هستند و این‌ها کجا رایشان دیده می‌شود. یا شرایط اقتصادی، اجتماعی به‌نحوی تغییر می‌کند که طرفین مذاکرات یا طرفین مناقشه دچار وضعیت بدی می‌شوند. و بعد آخرین آیتم ناآگاهی یا ناکافی نبودن آگاهی آبریان درباره وضعیت است. ما الان با وضعیتی مواجه هستیم که اصلاً برخی باور ندارند این کمبود یا کاهش منابع را، یا درباره آلودگی آب باوری وجود ندارد یا منابع به شکل دیگری. بنابراین ما در حوزه زاینده‌رود اگر می‌خواهیم مسئله را حل کنیم باید این چند علت مناقشه را به‌شکل جزیی و تفصیلی درباره‌اش داده تولید کنیم.

من این مدتی که قرار بود اینجا بیایم خیلی سعی کردم جست‌وجو کنم در منابع ببینم آیا شرح تفصیلی از علل مناقشه و دانش تفصیلی درباره علل مناقشه در زاینده‌رود به‌صورت مجتمع هست یا نیست. شما به یک کتاب برمی‌خورید به‌نام مسئله یا مشکلات زاینده‌رود که مجمع مقالاتی است که یک مجموعه به اسم شاخص‌پژوه منتشر کرده است. شما نگاه کنید در آن مقالات به فهرستی از علل مناقشه برمی‌خورید؟ پس یک، تحلیل تولید دانش است، نکته دوم در حل مناقشه این است که شما ذی‌نفعان را شناسایی کنید و فرایندهای ورودشان به مذاکرات را طراحی کنید. سطح سه، ارتباطات و اعتمادسازی است. ما الان این فرایند اعتماد سازی‌مان در زاینده‌رود کجا رخ می‌دهد؟ چه کسی متولی آن است؟ راهبرد ارتباطی آن چه است؟ من این فرصت را داشتم به‌عنوان عضو مستمع در جلسات شورای هماهنگی حوزه آبریز زاینده‌رود شرکت کنم. وقتی از نگاه بیرونی به‌عنوان یک جامعه‌شناس به قضیه نگاه می‌کنم گاهی اوقات شک می‌کنم که آیا طرفین می‌دانند درباره چه چیزی حرف می‌زنند. و بعد، این‌ها آمده‌اند حال هم‌دیگر را بگیرند یا آمده‌اند اعتماد بسازند. یعنی طرفین آمده‌اند مناقشه را ادامه دهند یا آمده‌اند مناقشه را حل کنند؟ این ناشی از شخصیت آن‌ها نیست. فکر نکنید که ما ایرانی‌ها شخصیت‌های کل‌کل‌کنی هستیم. وقتی شما فرآیند را بد طراحی می‌کنید طرفین با داده‌های ناشفاف و غیرقابل اعتماد. بارها در طرفین شورای هماهنگی حوزه‌های آبریز داده‌های هم‌دیگر را زیر سوال می‌برند. مثلاً شما می‌گویید آن‌ها ۴۰ میلیون برداشته‌اند، می‌گوید حالا شما می‌گویید ۴۰ میلیون برداشته‌اند خودت که می‌دانی ۱۰۰ تا است. می‌گویید حالا تو چه‌طوری به‌دست آوردی صد تا؟ می‌گوید همان‌طوری که شما ۴۰ تا را به‌دست آوردید. یعنی شما trust building تان کلاً مناقشه برانگیز است. نکته چهارم، همه منابع می‌گویند شما وقتی

می‌خواهید مناقشه را حل کنید عنوان انگلیسی‌اش را دقیق می‌گویند an adequate historical records یعنی رکوردهای تاریخی کافی جمع‌آوری کنید. الان تاریخ مناقشه در زاینده‌رود رکوردهایش کجا است؟ یعنی این تاریخ حقایق، تاریخ مداخله‌ها، تاریخ تخصیص‌ها، تاریخ برداشت‌ها و تحول منابع مصارف در حوضه. وقتی این را نداریم بر سر چه مناقشه می‌کنیم؟ اصلاً چه چیزی را می‌خواهیم حل کنیم؟ نهایتاً وقتی این‌ها وجود ندارد اتفاقی که می‌افتد می‌شود مداخله قدرت. یعنی اگر یک نفر یک کسی را در فلان شورا داشته باشد بازی را می‌تواند در خانه به نفع خودش تغییر دهد یا مانع اجرای آن شود. گام دوم در هر مذاکره‌ای عبارت است از تعریف دستور کار (agenda setting). الان دستور کار حل مناقشه زاینده‌رود چیست؟ کاهش مصرف در بالادست است؟ رساندن آب به پایین‌دست است؟ مدیریت مصرف برداشت‌های غیرمجاز است؟ توازن بین آب سطحی و غیرسطحی است؟ حل کردن مسئله فرونشست است؟ این دستور کار را چه کسی رویش اجماع کرده؟ استاندار؟ آقای فصیحی؟ چه کسی؟ و بعد مکانیسم جمع‌آوری داده‌ها و بعد مذاکره برای توافق. در نهایت مرحله سوم عبارت است از این‌که شما اجرا را انجام می‌دهید و پایش می‌کنید. این مانیتورینگ انجام می‌شود. نهاد مانیتور کننده

کجاست؟ ته حرف من این است.

در مورد مناقشه در زاینده‌رود اولاً این مسئله صورت‌بندی شده است. دو، مسئله با داده‌های تاریخی کافی (در همین ۵ الی ۱۰ سال اخیر) مستندسازی نشده است. سه، ساز و کارهای مذاکره به کار گرفته نشده است. چهار، ذی‌نفعان با تفویض قدرت کافی وارد نشده‌اند و بدترین چیزی که ندارند شفافیت است. در اتاق تاریک طرفین یک مناقشه نمی‌توانند مذاکره کنند. اول باید قیافه هم‌دیگر را ببینند تا ببینند با چه کسی مذاکره می‌کنند و بعد آیا دست پنهانی هست یا نیست و بعد آمدند حل مسئله کنند. این آن اجتماعی‌ترین وجه حل مناقشه در زاینده‌رود است. یعنی طراحی ساز و کاری که منجر به شفافیتی بشود که طرفین در همه رقابت‌هایی که بر سر منابع وجود دارد، امیدوار بشوند به ساختن اعتماد و طراحی حرکت فرایند مرحله به مرحله. این در جهان guideline دارد و بابت آن دکترا می‌دهند و یک تیم‌های بین رشته‌ای روی آن کار می‌کنند و حتماً اصلی‌ترین کسانی که رویش کار می‌کنند مقامات اجرایی و سیاسی نیستند. باز هم تاکید می‌کنم اصلی‌ترین کسانی که کار می‌کنند مقامات سیاسی و اجرایی هستند که مداخله قدرت در فرایند اجتماعی را بلد نیستند.



سوالات و صحبت‌های حضار در ارتباط با تعارضات، مشارکت و حکمرانی:

انتشاری دانشجوی دکترای منابع آب دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشکده عمران: در سال‌های اخیر خیلی درباره مسائل اجتماعی صحبت می‌شود ولی به نظرم دارد به کلیشه تبدیل می‌شود و فهم اشتباهی از مسائل اجتماعی دارد رخ می‌دهد. می‌بینیم خیلی از شرکت‌های مشاوره پیوست مسائل اجتماعی دارند و بیشتر از این‌که جامعه‌شناسی باشد جمعیت‌شناسی است و به این می‌پردازد که جمعیت چه قدر است؟ سواد چه قدر است؟ و یا کار چه قدر است؟ اصلی‌ترین مولفه‌های جامعه‌شناسی از جمله اعتماد و یا مشارکت در این پیوست اصلاً دیده نمی‌شود. مسئله مهم دیگر آن‌که یکی از مولفه‌های مهم جامعه‌شناسی مشارکت باشد. حرف من این است که ببینیم در این جمع چند نفر جامعه‌شناس وجود دارد؟ جز جناب آقای دکتر فاضلی فکر می‌کنم تعداد آن‌ها خیلی کم باشد، یعنی می‌خواهم بگویم به این مسئله خیلی کم پرداخته شده است. مسئله دیگر این

است که بحث مشارکت چند سال است که مطرح شده است ولی هیچ‌موقع به راه کارهای آن نمی‌پردازیم. این‌که ما یک طرحی داشته باشیم تا در یک حوضه آبریز گام به گام، گام‌هایی را طی کنیم و مشارکت را ایجاد کنیم. ما در این چند سال سعی کردیم یک طرح آماده کنیم و دیدیم اصلی‌ترین گام این طرح توانمندسازی است. مردم ما سال‌ها تحت سیطره حکومت‌ها بودند و هنوز جمهوریت را یاد نگرفتند، مشارکت را یاد نگرفتند. یعنی یک بخش توانمندسازی می‌پردازد به این‌که مردم را توانمند سازیم که خود آن روند طولانی است. ادارات ما سال‌ها وظایفی را یاد گرفتند، کارمندان ما باید سبک‌های جدیدی را یاد بگیرند که این نیاز به توانمندسازی دارد. و مهم‌ترین عامل که به ایجاد شفافیت منجر می‌شود اعتماد است. تا وقتی که اعتماد ایجاد نشود شفافیت رخ نمی‌دهد. آقای دکتر به‌خوبی فرمودند که شفافیت در واقع عاملی است که اعتماد را ایجاد می‌کند.

دکتر امیری از دانشکده مهندسی شیمی: من فکر می‌کنم در همین برنامه شما که پروژه تعریف کردید، پروژه اصلی را فراموش

کردید. پروژه اصلی کار فرهنگی است. در این مملکت آمدند یک عده‌ای مافیای آب راه انداختند. یک عده‌ای مظلوم‌نمایی کردند، هیچ کسی نیامد کار فرهنگی انجام دهد، این یک درد مشترک و ملی است. من فکر می‌کنم که این برنامه شما کار فرهنگی را یک پروژه‌ای مهم‌تر از تامین منابع آبی جدید بداند.

دکتر فصیحی: البته این نمونه‌ای از کارهای دولت بود که ارائه دادیم. این موضوع فقط به‌عنوان یک مطالعه موردی در این جلسه بحث شده است و موضوع بحث ما نیست. نه طرفداری از آن است و نه نقدی.

مهندس ربیعی مدیر کنترل کیفیت آب و فاضلاب استان اصفهان: ما در حال سازگاری با خشکسالی هستیم. استانداردهای ما در مورد مصرف پساب اصلاً تناسبی با شرایط کشور ما ندارد. به‌نظر من تنها کپی شده از کشورهای پر باران مثل اروپا است. یا مثلاً کشورهایی با درآمد سرانه ناخالص خیلی بیشتر از ما از فاضلاب خام هم نمی‌گذرند و با آن محصول تولید می‌کنند. الان کلید محیط‌زیست کشور ما بر روی غیرمثمر گیر کرده است. یعنی ما فاضلاب را تصفیه می‌کنیم کلی BOD و COD آن‌را کاهش می‌دهیم، اما اجازه کشت با آن را به‌ما نمی‌دهند. در حالی که امروز در کل دنیا کشورهایی با درآمد سرانه خیلی بیشتر از ما و منابع آبی بیشتر از ما حتی از فاضلاب خام هم استفاده می‌کنند. آقای دکتر فاضلی به‌درستی فرمودند که آب شرب امنیتی‌تر است پول بیشتری خرج آن می‌شود. نباید آن را با کشاورزی مقایسه کرد. من این حرف را کاملاً قبول دارم. اما یک نکته، واقعیتی که دارد اتفاق می‌افتد این است که میلیون‌ها مترمکعب آب شرب بسیار گرانبها به‌طرز فجیعی در روش‌های غلط آبیاری ما از بین می‌رود. این که ما آن‌را با آب شرب مقایسه کنیم و کنارش بگذاریم اصلاً قبول ندارم. آن‌جا هم باید یک فکر اساسی بکنیم. اگر دو تا کنگره راجع به آب شرب بگذاریم ۱۰ تا کنگره باید راجع به آب کشاورزی و ساماندهی آن بگذاریم.

دکتر فصیحی: نکته بسیار مهمی را اشاره کردند، این که استانداردهای ما سازگار با شرایط فعلی نیست.

دکتر شاه قاسمی: دوستان عملاً تمامی مسائل را مطرح کردند. بحث من فقط و فقط در مورد حوضه آبریز زاینده‌رود و مشکلات شهر اصفهان نیست. این مشکلات را در اکثر قریب به اتفاق حوضه‌ها داریم. حوضه کارون مگر مشکل ندارد؟ حوضه مارون مگر مشکل ندارد؟ حوضه رودخانه زهره مگر مشکل ندارد؟ همه این‌ها به صور مختلف مشکل دارند و این مشکلات هم روزبه‌روز دارد بیشتر و پیچیده‌تر می‌شود. متأسفانه تصور من بر این است

که در بحث مدیریت منابع آب به عقیده من، ما مشکلات متعددی را داریم. این مشکلات بسیار زیاد هستند. من به‌طور مشخص به یکی از آن‌ها اشاره می‌کنم در بحث تخصیص منابع. ما در زمینه تخصیص منابع‌مان در حوضه‌های آبریز متعدد واقعاً مبانی و معیارهای تخصیص‌مان چیست؟ من در مواردی واقعاً متوجه می‌شوم که مثلاً یک آقایی به‌عنوان نماینده مجلس از موقعیت ممتازی به‌دلایل متعدد برخوردار است. یک رودخانه قاعداً در مرز بین دو تا استان حرکت می‌کند. یکی از این استان‌ها به‌دلیل همان بحث نفوذ یعنی قدرت و آب، به‌شدت تاثیرگذار در تصمیم‌گیری‌های ما. آقای دکتر فاضلی فرمودند که برای یک مورد کوچکی که قرار بود یک خط انتقالی بین دولت سوئد اجرا شود، جلسات متعددی مابین دست‌اندرکاران صورت می‌گیرد و نهایتاً یک ارگان تصمیم‌گیری و یا بین خودشان به یک نتیجه‌ای می‌رسند که این نتیجه برد-برد باشد. ما در این زمینه اشکالات اساسی داریم.

عرض کردم در بحث تخصیص منابع ما اولاً منابع خود را به‌شکل کامل نمی‌شناسیم. نمی‌دانیم دقیقاً چه مقدار آب داریم. مثلاً در بحث نزولات جوی می‌دانیم حدود ۲۰ الی ۲۵ درصد کاهش پیدا کرده نسبت به متوسط درازمدت. ولی مثلاً یک‌دفعه در یک وزارتخانه تصمیم می‌گیرند روی آورد رودخانه‌ها و آن‌ها را حدود ۴۰ درصد کاهش می‌دهد، بر مبنای اتفاقاتی که مثلاً ۱۵ سال گذشته در زمینه اقلیم رخ داده است. آیا واقعاً این می‌تواند به‌عنوان یک فرمول مورد استفاده قرارگیرد یا در واقع مثلاً آمار درازمدتی که در حدود ۶۰ الی ۸۰ سال در حوضه آبریز وجود دارد. مثلاً آن‌ها را کنار بگذاریم و بر مبنای ۱۵-۱۰ سال اخیر تصمیم‌گیری بکنیم و بعد عرض کردم بحث در واقع قدرت سیاسی است. چه جاهایی که قدرت بیشتری دارند متأسفانه نفوذ آن‌ها بیشتر است. در امر بهره‌برداری از منابع سهم بیشتری می‌برند و آن‌هایی که قاعداً قدرت کمتری دارند متأسفانه در این وسط مغموم واقع می‌شوند و سهم کمتری می‌برند. عرض کردم مثلاً یک رودخانه در مرز دو تا استان حرکت می‌کند. یکی از آن‌ها به‌دلیل قدرت سیاسی می‌تواند از رودخانه آب بردارد ولی آن یکی نمی‌تواند آب بردارد. چرا واقعاً؟ مبانی و معیارها واقعاً چه هستند و چه جوری باید این مسائل را حل کرد؟ متأسفانه روزبه‌روز هم پیچیده‌تر می‌شود. من فکر می‌کنم در این‌جا وزارت نیرو به‌عنوان متولی است که در امر آب نقش اساسی را دارد که این معیار و مبانی را اعلام می‌کند تا همه در جریان آن قرار بگیرند.

دکتر فصیحی: مسئله ما آقای دکتر همین تدوین سیاست‌ها است. همان‌طور که عرض کردم مشکل این است که ما مشکل را نمی‌شناسیم. مسئله دوم آن است که سیاست‌ها را بلد نیستیم به‌درستی تدوین بکنیم که بخشی از آن برمی‌گردد به نقص در

می‌آید. حالا این‌ها را کنار می‌گذاریم. جناب آقای مهندس شیشه‌فروش بحث ارزش کشوری زاینده‌رود را پر رنگ کردند. این‌که واقعاً گذشته و حال آن چه نقشی داشته و دارد بحث‌های فنی که مرتبط با شهرهای بزرگ و کوچک حوضه زاینده‌رود است، بحث فرونشست. آقای دکتر میرمحمدصادقی به‌خوبی بحث مشارکت ذی‌نفعان را اشاره کردند و این‌که واقعاً این در قوانین دیده شده است. این‌که مکانیسم‌های آن است ولی نقص در بحث‌های اجرایی است. هم‌چنان ما از این رنج می‌بریم. واقعاً دولت به خودش این نقص را وارد می‌داند. اتاق دیپلماسی آب را به‌عنوان یک مطالعه موردی معرفی کردیم که این عمل را انجام داده است. بحث حضور غیر رسمی، حالا من مثال می‌زنم شاید در جلسات رسمی به‌دلیل این‌که چارچوب ارگان و سازمان وجود دارد یک متخصص مثلاً اداره کشاورزی نتواند آن نظر شخصی خود را بدهد. ولی در جلسات غیررسمی این مباحث به خوبی باز می‌شود. در حقیقت راه‌حل‌ها ارائه می‌شود و می‌تواند در چارچوب‌های سازمانی ارائه شود. آقای مهندس قانع بحث بسیار مهم برداشتن مرز صنعت و دانشگاه را اشاره کردند. بحث حل مناقشات را آقای دکتر فاضلی اشاره کردند.

من یک جمع‌بندی به‌طور خلاصه روی مباحث داشته باشم. ما واقعاً راه‌حل زاینده‌رود را در ایجاد ارزش می‌دانیم. معضل زاینده‌رود بدون ایجاد ارزش برای جوامع پیرامونی حل نمی‌شود. هرچه شما منابع جدید پیدا کنید، از قبل این منابع به مصرف رسیده است. مثال خط انتقال آب یزد، مصوبه انتقال تونل سوم مشروط، ولی ۱۷ سال است که خط انتقال کار می‌کند و تونل سوم به بهره‌برداری نرسیده است ولی آب آن از قبل فروش رفته است. منابع جدید این‌ها همه راه‌حل مطمئن است و ما در هر حال باید به‌دلیل این نیاز در وظایف دولت بازنگری کنیم. به بحث آموزش و پژوهش‌ها اهمیت ویژه‌ای دهیم. در زمینه مباحث حکمرانی کارهای بین رشته‌ای مهندسی ما صرفاً مهندس تربیت نشود. نکته آخر بحث نوآوری ارزش‌ها است. من یک مثال می‌زنم و جلسه را تمام می‌کنم. ما خدمت یکی از مشاورین استاندار بودیم و بحث دیپلماسی آب زاینده‌رود را داشتیم. نکته جالبی را ایشان اشاره کردند که برای من هم جدید بود. دیدم به‌صورت خواسته یا ناخواسته ایجاد ارزش دارد در استانداری اصفهان دنبال می‌شود. ایشان بحث شهرک سلامت را داشتند. این‌که اگر ما یک اقدام خیلی کوچک انجام دهیم که مثلاً در ترمینال شهرکرد یک خط اتوبوسرانی مستقیم از شهرکرد به شهرک سلامت بزنیم، چون که تعداد زیادی از آن‌ها برای درمان به اصفهان می‌آیند. ببینید لزوماً این ایجاد ارزش چیز عجیب و غریبی نیست. امیدوارم که این قبیل نشست‌ها به تغییر رویکرد منجر شود.

آقای مهندس فرمانی انتظام از آب و فاضلاب شهری استان

قم دفتر مدیریت مصرف: یکی از مسائلی که دوستان صحبت کردند تعارضات در قوانین است. تا این تعارضات حل نشود مشکل حقابه‌ها و مشکل تخصیص آب حل نمی‌شود. یکی هم بحث خود تخصیص منابع، الان وقتی به یک استانی آبی تشخیص داده می‌شود این استان به‌هر نحوی می‌خواهد این آب را استفاده کند. حتی می‌خواهد آن را زایل کند و فضای سبز خود را توسعه دهد. ما در بعضی از شهرها مثل همین اصفهان دانشگاه را که می‌بینیم علی‌رغم آن‌که می‌بینید فضای سبز آب زیادی را مصرف می‌کند فقط به‌صورت نمادین در بعضی از جاها فضای سبز را حذف کنیم، اما در واقع فضای سبز را حذف نکردیم. خود این مدیریت فضای سبز باعث می‌شود مشکل آب حل شود. یکی هم بحث قدرت است. همان‌طور که اشاره کردند بعضی جاها در بالادست ویلا درست می‌شود. آب را به بالادست تخصیص می‌دهند. اگر قوانین درست باشد می‌تواند از این کار جلوگیری کند. نکته آخر باور مردم است. ما هنوز بر روی باور مردم هیچ فکر نکردیم. اگر باور مردم را درست بکنیم به‌نظر من مدیریت منابع آب و تخصیص آب درست خواهد شد و همین‌طور باور دولت.

دکتر دادخواه از دانشکده مهندسی شیمی: من در مورد

صحبتی که آقای مهندس ربیعی فرمودند در مورد استانداردهای استفاده از پساب برای مصارف کشاورزی مثمر می‌خواهم بگویم که ما نمی‌توانیم بگوییم که هر چیز دیگری که یک کشور استفاده کرد ما هم بدون بررسی آن‌که آن چه پسابی دارد و چگونه تصفیه می‌کند آن کار را انجام دهیم. مثلاً در آمریکا و خیلی از کشورهای اروپایی هر کارخانه آب باران که وارد محیط آن می‌شود و یا پساب آن باید یک استانداردهایی داشته باشد. ما هم ظاهراً این استانداردها را داریم، اما متأسفانه آن نظارت‌هایی که روی آن باید بشود خیلی قوی نیست و یا حتی این استانداردها در خیلی جاها تدوین نشده است. ثانیاً تسویه پساب ما مثل آن‌ها نیست. ما خیلی وقت‌ها می‌بینیم که در تصفیه‌خانه‌های ما چون ظرفیت خیلی کافی نیست به‌صورت نیمه‌تصفیه خارج می‌شود. حالا همان هم بین کشاورزی دعوا است که از آن استفاده کنند. پس سلامتی مردم چه می‌شود؟

دکتر فصیحی: ما واقعاً مباحث روشننگری در این جلسه در

زمینه بحث تعارضات داشتیم. حالا این‌که این تعارضات چگونه به‌وجود می‌آید خودش یک مبحث جدا است در مدیریت منابع مشترک. این‌که ما چه می‌کنیم که یک تعارضی اصلاً به‌وجود